

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۷

سال شانزدهم، شماره ۶۳، بهار ۹۹

زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس

با تکیه بر سروده‌های قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی

جعفر محمدی^۱

آرش مشفق^۲

عزیز حجاجی کهنوج^۳

چکیده:

شاعران دفاع مقدس، تمام توان را در به تصویر کشیدن رویدادها و حوادث جبهه‌های جنگ به کار گرفتند. جنبه شهادت‌طلبی، آزادی‌خواهی، بی‌توجهی به ارزش‌های دنیوی و همچنین گذشتن از مال و جان برای حفظ ارزش‌های دینی و معنوی، مهم‌ترین دلایلی بود که باعث شد شعر دفاع مقدس با سرچشمه‌های هویت ملی و معنوی ارتباط برقرار کند و زمینه‌ای برای بازآفرینی این نوع نگرش‌ها، همسو با ارزش‌های انقلاب اسلامی بشود. این ویژگی به گونه‌ای است که در شعر شاعران دفاع مقدس بسیاری از تجربه‌های عرفانی که در شعر شاعران عارف به کار رفته، بازآفرینی شود. این ویژگی در شعر شاعرانی چون قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی قابل مشاهده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی کوشش در راستای کشف و بررسی جنبه‌های عرفانی مورد توجه شاعران در شعر روایی دفاع مقدس است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شعر دفاع مقدس در زمینه‌های مختلفی همچون مضامین عرفانی ورود و حضور داشته و همچنین مشخص شد شاعر دفاع مقدس از عناصر و مضامین متداول در شعر عرفانی فارسی و دیگر پیوند بین مضامین عرفانی با درون‌مایه‌های دینی در شعرهای خود استفاده کرده است که از ویژگی‌های انقلاب اسلامی و حماسه هشت سال دفاع مقدس است.

کلید واژه‌ها:

دفاع مقدس، عرفان، اشعار عرفانی، شعر معاصر.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. نویسنده مسئول:

Moshfeghi.arash@gmail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

پیشگفتار

عرفان و آموزه‌های عرفانی جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کلاسیک فارسی دارد. پیشینه گرایش به عرفان در ادبیات ایران به آموزه‌های مانی و تعلیمات مانوی بازمی‌گردد. در دوران پس از اسلام نیز بسیاری از ادیبان و شاعران ایرانی به خلق آثار ادبی با درونمایه عرفانی پرداختند و مکتب خراسان که دارای افکار آزاداندیشانه است شکل گرفت و عرفایی نام آشنا در این مرز و بوم به نبوغ رسیدند. اما ورود عرفان به شعر با غزلیات عرفانی سنایی غزنوی آغاز شد. بعدها با پیشرفت سبک عراقی در شعر، عرفان با آن آمیخته شد به نحوی که بسیاری از تعبیر و اصطلاحات عرفانی به شعر آن دوره رخنه کرد. اگرچه از قرن نهم به بعد، عرفان از حقیقت والای خود فاصله می‌گیرد اما از آنجا که انسان سرشتی خداجو دارد و شعر بهترین حوزه برای بازتاب عواطف و احوال درونی است قلمرو شعر فارسی هیچ‌گاه به صورت کلی از نفوذ آموزه‌های عرفانی خالی نمی‌گردد و در دوره معاصر هم اگرچه شعر عرفانی جنبه رسمی ندارد اما می‌توان جنبه‌های ذوقی و معرفتی تعالیم عرفانی را در سروده‌های برخی از شاعران این دوره ملاحظه کرد.

بی‌تردید شرایط جامعه و تحولات اجتماعی، تأثیر بسزایی در پیدایی موضوعات و درونمایه شعر و نثر و به طور کلی ادبیات دارد. پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و به تبع آن جنگ ایران و عراق در شهریور ۱۳۵۹ از مهم‌ترین حوادثی بود که بر زبان و محتوای ادبیات تأثیر گذاشت و به‌طور کلی باعث تحول ژرف در مضامین آن شد.

نمونه این تحولات را می‌توان در اشعار شاعران دفاع مقدس مشاهده کرد. شاعران متعهد این مرز و بوم، تمام توان و استعداد خود را در به تصویر کشیدن رویدادها و حوادث جبهه‌های جنگ به کار گرفته‌اند که حاصل تلاش آنان، شکل گرفتن جریان «شعر دفاع مقدس» شد.

در دهه‌های اخیر، جریان‌های عرفانی جدید همچون: عرفان بودا، عرفان مسیحی، قانون جذب و... فرهنگ ایران را تحت شعاع قرار داده است. رگه‌هایی از عرفان مسیحی و عرفان شرقی، بویژه عرفان بودا در شعر شاعرانی چون قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی قابل مشاهده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی کوششی در راستای بررسی جریان‌های عرفانی معاصر در ادبیات دفاع مقدس، بویژه در اشعار قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی این سه شاعر نام آشنای معاصر است. نگارنده در این پژوهش درصدد آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که زمینه‌ها و مهم‌ترین دلایل روی آوردن به درون‌مایه‌ها و سمبل‌های عرفانی در شعر دفاع مقدس چیست؟ و همچنین وجه بارز و مسلط عناصر عرفانی مورد استفاده در شعر این دوره کدام است؟

بیان مسأله

شاعران از عناصر ادبی، تلمیحات، نمادها، مضامین عرفانی و صور خیال در شعر خویش استفاده می‌کنند تا به بیان عواطف، ارزش‌ها و اصول و جهان‌بینی خویش بپردازند. از مهم‌ترین محورهای درون‌مایه در ادبیات ایرانی، بازتاب تفکرات عرفانی است. این گرایش در ادبیات تا دوره بازگشت ادبی فراز و فرودی در شعر فارسی داشت. در دوره مشروطه و پس از انقلاب اسلامی، شعر فارسی تا حدی از سرچشمه عرفانی خود دور شد تا اینکه در دوره انقلاب اسلامی یکی از خاستگاه‌های شعر انقلاب را می‌توان جنبه عرفانی آن دانست.

«شاعران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به دلیل تأثیر از روحیه معنوی و نیز روبرو شدن با واقعیت‌های ملموس رشادت و ایثار رزمندگان و شهیدان حوادث جنگ، در توصیف واقعیت از روایت‌های گزارش گونه فراتر رفته و با استفاده از میراث فرهنگی دینی و عرفانی به زبان نمادین دست‌یافته‌اند که در عین واقع‌گرایی، با ذهنیت دینی و عرفانی آنان از یک سو و آرمان‌های دینی و عرفانی رزمندگان از سوی دیگر پیوند دارد.» (قبادی و جمشیدیان، ۱۳۸۰: ۳۸)

در شکل‌گیری و تعمیق شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، علاوه بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی و انقلابی و استفاده شاعران از مضامین و عناصر عرفانی، تأثیر شخصیت، سیره عملی و افکار امام خمینی بر کسی پوشیده نیست. همچنین واقعه بزرگ عاشورا و حماسه بی‌نظیر امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان از زمینه‌های اصلی و تأثیرگذار بر این دوره بوده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه حماسه و عرفان در شعر دفاع مقدس، تاکنون مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌های ارزشمندی نوشته شده است. «مقاله بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس» از دکتر عنایت‌الله شریف پور و نرگس موحدی در نشریه ادبیات پایداری کرمان یکی از این مقالات است که نویسندگان محترم، مضامین عرفانی مانند عشق، شور و مستی، جنون، شوق، لقاءالله و وصال به‌حق و برخی دیگر از این‌گونه اصطلاحات را در شعر شاعرانی همچون مردانی، عبدالملکیان، اوستا، قزوه ... مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. (شریف‌پور و موحدی، ۱۳۸۸: ۸۹-۱۱۱)

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «حماسه و عرفان در شعر عصر انقلاب اسلامی» از حسین‌علی قبادی، به شاعران دفاع مقدس که در کنار حماسه، اصطلاحات و مضامین عرفانی را در اشعارشان بازتاب داده‌اند پرداخته شده است «مقاله عرفان در شعر امروز ایران»، نوشته مهدی باقر نیز به رگه‌های عمیقی از مضامین عرفانی در شعر شاعران پس از انقلاب اشاره کرده است. (همان: ۱۳۸۸: ۹۰) در کتاب ادبیات معاصر ایران، (نثر)، نوشته محمدرضا روزبه، به نمادهای مقاومت شعر ایران، نظیر خون، خنجر، شقایق، رگبار گلوله و... اشاره شده است. در برخی از پایان‌نامه‌ها نیز جسته و گریخته

به برخی از جلوه‌های شعر دفاع مقدس اشاره شده است،

در زمینه آرا و عقاید عرفانی، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است اما آن پژوهش‌ها در حوزه شعر کهن بوده‌اند و قلمرو شعر معاصر از حیث جنبه عرفانی نادیده انگاشته شده و یا به صورت جدی و گسترده مورد توجه قرار نگرفته است و تحقیقاتی که در زمینه عرفان این دوره صورت گرفته، عمدتاً منحصر به اشعار سهراب سپهری است که شاخص‌ترین شاعر عرفانی معاصر محسوب می‌گردد.

قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی از چهره‌های شاخص شعر و ادبیات فارسی محسوب می‌گردند و به دلیل تفکر و تعمق در اشعار عرفانی، اقوال عرفا و توجه به مکاتب عرفانی دیگر، نسبت به عرفان، گرایش داشته‌اند، سروده‌های آنها را می‌توان از این جنبه مورد بررسی قرار داد. بنابراین نگارنده این پژوهش بر آن است که ضمن معرفی حوزه عرفان، به بررسی دیدگاه‌های عرفانی در اشعار این سه تن بپردازد.

سرچشمه و خاستگاه عرفانی شعر دفاع مقدس

عرفانی که در شعر دفاع مقدس مطرح است با عرفان شعر کلاسیک فارسی متفاوت است. در شعر دفاع مقدس، قهرمان روح انسان نیست که در پی پیوستن به اصل خویش است بلکه قهرمان انسان‌های عادی هستند که هدفشان اعتلای کلمه الله و طرد هرگونه کفر و شرک است. مبارزه با کافران و طاغوتیان سرلوحه اهدافشان قرار دارد. به همین دلیل که «اعتلای نام خداوند و دفع فتنه کفار، نیاز به ایثار مال و جان دارد. با عالم عرفانی که قهرمان و سالک آن برای رسیدن به خدا از هستی خویش می‌گذرد ارتباط پیدا می‌کند.» (طاهری، ۱۳۸۷: ۹۸)

نخستین منشاء و خاستگاه عرفانی شعر دفاع مقدس، قرآن است که خداوند متعال در بسیاری از آیات، مؤمنان را به جنگ و قتال با کفار فراخوانده است. (توبه / ۳۲، نساء / ۱۴، بقره / ۲۰۷)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه / ۱۱۱)

همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می‌رسانند و (خود) کشته می‌شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

دومین منشاء عرفان در شعر دفاع مقدس، شخصیت حضرت علی(ع) است که در عین شجاعت

زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین پور... / ۳۱۵

و دلاوری در عرصه نبرد با کفار، با تواضع و فروتنی تمام سوزناک‌ترین راز و نیازها را به درگاه حضرت ربوبیت داشت و مصداق بارز «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أَسْدٌ بِالنَّهَارِ» بود. امین پور شهادت امیرالمؤمنین امام علی(ع) را عروج و نهایتاً قرب الهی بیان کرده است:

ایمان و امان و مذهبش بود نماز در وقت عروج، مرکبش بود نماز
هنگام که هنگامه آن کار رسید چون بوسه میان دو لبش بود نماز
(امین پور، ۱۳۸۶: ۴۱۷)

سومین مشرب عرفانی شعر دفاع مقدس، شخصیت بی‌همتای امام حسین(ع) سالار شهیدان است. رزمندگان با الهام گرفتن از حماسه خونین کربلا، مرگ سرخ را بر زندگی خفت بار و تسلیم در برابر کفار ترجیح داده‌اند:

خوشا از نی خوشا از سر سرودن خوشا نی نامه‌ای دیگر سرودن
نوای نی نوای آتشین است بگو از سر بگیرد، دل‌نشین است
(همان: ۱۶۷)

مهم‌ترین ویژگی‌های عرفانی شعر دفاع مقدس، عبارت از مبارزه با نفس، ترک دنیا، عقل ستیزی، احیای اسطوره‌های مذهبی و عرفانی، اشتیاق وصال، استقبال از مرگ و رسیدن به مقام شهادت است.

پیوند حماسه و عرفان در شعر انقلاب اسلامی

غزل از دیرباز، قالب سرایش مضامین عشقی و رمانتیک بوده است و بجز برخی از غزلیات حماسی عرفانی مولانا، کمتر شاعری را سراغ داریم که حماسه را در قالب غزل بسراید. اوزان عروضی متداول در غزل به لحاظ ساختار موسیقایی، اوزان نرم، شکننده و منطبق با درونمایه رمانتیک هستند و بدیهی است که برحسب ظاهر، مستعد پذیرش حماسه و جنگ نیستند اما شاعر انقلاب قالب غزل را بستر حماسه و نبرد ساخته و سرزنده‌ترین مفاهیم جنگ را در نسوج موسیقایی غزل یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وجود صحنه‌های عاطفی و احساسی و تجربه مستقیم شاعران در صحنه‌های دفاع مقدس، قالب غزل را از حیث معانی لطیف و پرشور بارور ساخت و روحیه رشادت و ایثار و جانبازی، نوعی خاص از غزل؛ یعنی پیوند حماسه و غزل را شکل داد. (ایران‌زاده،

۱۳۷۷: ۳۱۵)

بیان احساسات و عواطف درونی نسبت به دلاوران و رزمندگان و شهدا، آمیختگی دلاوری با

بیش‌های عارفانه و حوادث کربلا، تأثیرپذیری از تصاویر اسطوره‌ای و حماسی و بیان نرمش با خشونت، ویژگی غزل دفاع مقدس است. این پیوند با شروع جنگ از سوی شاعران مورد توجه قرار گرفت و آثاری قابل توجه آفریده شد. این نوع غزل به دلیل استفاده از جنبه عرفانی و شور حماسی آن چندان بسامد دارد که می‌توان از آن به عنوان یکی از برجستگی‌های غزل در شعر جنگ یاد کرد. این شیوه به گونه‌ای است که در این دوره، نوعی شعر به نام «غزل-مثنوی» یعنی آوردن غزل در میان مثنوی شکل گرفت.

در این دوره، شاعر غزل را عرصه موضوعات و پیام‌های حماسی قرار داد و علی‌رغم لطافت و نرمی قوالب، حماسی‌ترین چشم‌اندازهای هنری را در این قالب پردازش کرد تا آنجا که قسمت اعظم شعر دفاع مقدس در قالب غزل سروده شده است.

همچنین در این دوره، شاعران با استفاده از سمبول‌های اجتماعی به بیان موضوعات اجتماعی به شکل نمادین پرداختند. هرچند در ادبیات معاصر پیش از انقلاب، یکی از دلایل روی‌آوری شاعران به سمبولیسم اجتماعی، پنهان کردن معنا به خاطر جوّ آن زمان بود، در سمبولیسم عرفانی پس از انقلاب، برخورد شدید عاطفی شاعر با یکی از مسائل اجتماعی، زاینده سمبل‌های اجتماعی است مثلاً زکریا اخلاقی شرح و وصف عاشقانه روی گلگون شهید پاکباز، که عشق مجسم است، این‌گونه توصیف کرده است:

کس تماشا نکند منظره زیباتر از این خاطری را نبود خاطره زیباتر از این
زیر شمشیر شهادت سحر آن‌سان رفتی که نرفتند از این دایره زیباتر از این
(اخلاقی، ۱۳۸۴: ۱۳)

همچنین زکریا اخلاقی به شهید، نگاهی اسطوره‌ای و بر پایه الگوهای دینی دارد:
صحنه حادثه سرشار شد از بوی عروج وقتی از مصر بلا پیرهنش آوردند
(همان: ۲۰)

در مصراع اول، اخلاقی با استفاده از واژگان حماسی صحنه و عروج، لحن حماسی شعر را تقویت می‌کند ولی در مصراع دوم با استفاده از صنعت تلمیح، به داستان یعقوب و یوسف گریز زده است.

موضوع محوری و اصیل دیگر شعرهای انقلاب و پایداری که باز هم با فضایی حماسی و با مؤلفه‌های خاص اشعار حماسی همراه است ایستادگی در برابر بیداد حاکم است که آرمان تمام

حرکت‌های بنیادین و هدفمند است. واژگان اشعار حماسی انقلاب از صلابت و انسجام خاصی برخوردار است و همین ویژگی زبانی سبب شده است تا سروده‌هایی از این دست از فضای صرفاً شاعرانه و احساسی فاصله بگیرد و بعد حماسی آن پررنگ‌تر جلوه نماید. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸:

۲۸)

از شاعران بزرگ و نام‌آوران آن دوران؛ قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و زکریا اخلاقی هستند که در ادامه، به زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعرشان پرداخته می‌شود.

تحلیل زیبایی‌شناسانه کاربرد عناصر عرفانی در اشعار حماسی - عرفانی دفاع مقدس

زمینه روحی خاص شاعر عارف و گشوده شدن چشم باطن وی، که همان فیض و برکت آسمانی است سبب می‌شود که برخورد وی با جهان و اشیای آن، برخوردی عاطفی و ادراک وی، شهودی و همراه با عدم فعالیت عقل باشد. به بیان درآوردن دریافت‌های این برخورد عاطفی و ادراک شهودی، چه در حالت سکر و بی‌خویشی و چه در حالت صحو پس از سکر، به ضرورت زبان را رمزآمیز خواهد کرد. این بیان رمزآمیز، زبان را از صورت یک وسیله ارتباط عمومی خارج می‌کند و به کلمات استعداد و ظرفیت و بار معنوی تازه‌ای می‌بخشد که از محدوده معنوی آنها در فرهنگ‌ها بسیار فراتر می‌رود. (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۶۵)

«یکی از موضوعات شعر انقلاب اسلامی، «عرفان اسلامی» است. مقدمه این ویژگی را می‌توان در آثار بزرگانی چون امام خمینی، علامه طباطبایی، امیری فیروزکوهی، شهریار، مهرداد اوستا، استاد حسن زاده‌عاملی و شهید مطهری و امثال آنان جستجو کرد. در آثار دیگر شاعران نیز کم و بیش همین ویژگی به چشم می‌خورد». (حاکمی، ۱۳۷۳: ۱۴۹)

با این حال باید برای دریافت معانی این بیان رمزآلود تأمل بیش‌تری داشته باشیم. «شعر معاصر هرچه به سوی تازگی در صورت و محتوی پیش می‌رود زبانی رمزیزتر نمی‌یابد و در نتیجه، درک معنی آن نیازمند تأمل بیشتری است.» (حمیدی و شامیان، ۱۳۸۴: ۱۱۷)

تأملات هستی‌شناسی و معرفتی

مسائل معرفت‌شناسی در گذشته در ضمن یکی از مباحث فلسفی اسلامی مطرح بوده و هیچ‌گاه محور اصلی مباحث فلسفه اسلامی نبوده است اما متفکرانی در عصر حاضر مانند علامه طباطبایی در اثر مواجهه با دستاوردهای غربیان در قلمرو معرفت‌شناسی با مباحث و پرسش‌هایی روبه‌رو شدند از این رو معرفت‌شناسی در بین سایر مباحث فلسفی نقش مهمی را به خود اختصاص داد.

«هستی‌شناسی در اساس با دو پرسش اصلی سر و کار دارد: «وجود چیست؟ چه اموری در عالم وجود دارند؟»، (فتحعلی، ۱۳۸۱: ۲۴) به عبارت دیگر، «فیلسوف با یاری جستن از مباحث هستی

شناختی، موجودات حقیقی و واقعی، (حقایق) را از موجودات پنداری، (اعتبارات و وهمیات) تمییز می‌دهد،» (طباطبائی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۵)، «معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت شاخه‌ای از فلسفه است که به بررسی سرشت و حدود معرفت و مبانی آن می‌پردازد و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد.» (هاملین، ۱۳۷۴: ۱)

در عرفان نظری، عارف به تفسیر هستی می‌پردازد. درباره خدا و جهان و انسان بحث و تصور خود را از هر یک از آنها ارائه می‌دهد در واقع «عرفان نظری پایه‌های علمی و نظری عرفان عملی را مورد بحث و بررسی خود قرار می‌دهد.» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۹)

به عبارت دیگر، وقتی عرفان نظری ابعاد وجود انسان و جهان را تحلیل کرد و به یقین، حقیقت رستگاری انسان را درک کرد عرفان عملی می‌گوید باید برطبق چنین چیز عمل کرد. عرفان عملی بیان می‌دارد که سالک برای این که عملاً به قلّه انسانیت؛ یعنی توحید برسد باید حرکت را از کجا آغاز کند و چه منازلی و مراحل را به ترتیب طی کند؟ یکی از مضامین فلسفی در اشعار قیصر امین پور پرسش در مورد حقیقت هستی و جهان پس از مرگ است:

چرا همیشه همین است آسمان و زمین؟ زمان همواره همان و زمین همیشه همین؟
هزار شاید و آیا به جای یک باید گمان کنم، به گمانم نشسته جای یقین
(امین پور، ۱۳۸۸: ۵۲)

یا:

ای خواهشی که خواستنی‌تر ز پاسخی با چون تو پرسشی چه نیازی جواب را
(همان: ۱۲۵)

سلمان هراتی نیز با نگاهی نو به جهان و هستی پیرامون خود می‌نگرد. وی جهان و پیرامون خود را مفهومی از ذات حق می‌داند و مخاطب را دعوت می‌کند تا با تفکر در جهان هستی به شناخت خداوند دست یابد: «جهان، قرآن مصور است / و آیه‌ها در آن / به جای این که بنشینند، ایستاده‌اند / درخت یک مفهوم است / دریا یک مفهوم است / جنگل و خاک و ابر / خورشید و ماه و گیاه / با چشم‌های عاشق بیا / تا جهان را تلاوت کنیم»، (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

زکریا اخلاقی با دید و بینش عارفانه می‌گوید:

کسی از باغ گل آهسته مرا می‌خواند تا صفا تا گل نورسته مرا می‌خواند
هر شب از کوچه خوش‌بوی شقایق تا صبح کسی آهسته و پیوسته مرا می‌خواند

زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین پور... / ۳۱۹

با نشاطی دگر از ناحیه روشن شوق هم‌نشین من دل‌خسته مرا می‌خواند
امشب از خلوت نزدیک‌ترین خانه خاک عارفی کامل و وارسته مرا می‌خواند
یارب این بانگ خوش از حنجره شرقی کیست؟ چه کسی پشت در بسته مرا می‌خواند؟
باده نوشان سحر! چشمه تجرید کجاست؟ آشنایی سر گلدسته مرا می‌خواند
(اخلاقی: ۱۲۵)

توحید و محبت الهی

قیصر امین پور با لحن عاشقانه خداوند را مورد خطاب قرار می‌دهد و از محبت نهادینه در قلبش با باری تعالی سخن می‌گوید و آن را به زبان می‌آورد. او با ظرافت شاعرانه به این موضوع که خداوند به ما نسبت به شناختمان از خودمان آگاه‌تر است نیز اشاره دارد:

دوست‌ت‌رت دارم از هرچه دوست ای تو به من از خود من خویش‌تر
دوست‌تر از آن که بگویم چه قدر بیشتر از بیشتر از بیشتر
داغ تو را از همه داراتم درد تو را از همه درویش‌تر
هیچ نریزد به جز از نام تو بر رگ من گر بزنی نیش‌تر
(امین پور، ۱۳۸۸: ۲۳)

شاعر شناخت خداوند را فراتر از عقل می‌داند. راه رسیدن به خداوند بسیار است اما فقط یکی از آنها به درگاه الهی راه دارد و آن دل و قلب انسان کامل است:

انسان که تویی هیچ‌کس آگه به تو نیست راهی ز فراز عقل کوتاه به تو نیست
هر چند تو را هزار ره باشد لیک جز راه دل از هیچ رهی ره به تو نیست
(همان: ۱۷۶)

فناى از خود و بقای در حق

لقاء و دیدار سالک مشتاق حضرت دوست، از اصطلاحاتی است که در متون عرفانی ما دیده می‌شود. سجادی، لقاء را عبارت از ظهور معشوق، چنانکه عاشق را یقین حاصل می‌شود که به صورت آدم ظهور کرده، آورده است (سجادی، ۱۳۸۱: ۶۸۷) عزالدین محمود کاشانی، مشاهده حق را مشروط به فنا شدن در وجود باری تعالی و باقی شدن به بقای او می‌داند. (کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۳۱)

شاعران دفاع مقدس، رزمندگان را کسانی می‌دانند که هستی خویش را در وجود خالق هستی فنا

کرده و در برابر این عمل خویش به وصال و دیدار معبود خویش رسیده‌اند:

از چشم تو دیدنی است، بوم و بر یار ز آن اوج بگو که چیست در آخر کار؟
لیخندند سلامواره در گاه وداع ای یار، مگر چه دیده‌ای بر سر دار؟
(امین پور، ۱۳۸۸: ۵۲)

هراتی شهدا را افرادی بر می‌شمارد که با ترک تن خاکی به آرزوی خود که همان بقاء و وصال حق است نائل شدند:

هم‌پای نسیم، ره به کویش بردند دل را چو نظر، به جستجویش بردند
سرباخته و به ارمغان، همچون گل یک پیکر غرق خون، به سویش بردند
(هراتی، ۱۳۶۸: ۱۶۶)

صبر، رضا و تسلیم

صبر در اصطلاح «ترک شکایت از سختی بلا نزد غیر خداست. صابر کسی است که خود را با بلا چنان عجین کرده باشد که از آمدن بلا باک ندارد» (سجادی، ۱۳۸۱: ۵۲۱)، طبق روایات دینی، بلا از آن دوستان خداست.

امام خمینی (ره) می‌گوید: یکی از نتایج حریت و خروج از عبودیت نفس، صبر در بلیات و نواب است و در تعریف این‌گونه صبر فرموده‌اند: «صبر نگهداری نفس است از شکایت بر جزع مستور؛ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی در شرح منازل گوید: «مراد شیخ که فرماید صبر، خودداری از شکایت است شکایت به مخلوق است و الا شکایت به حق تعالی و اظهار جزع در درگاه قدس او با صبر منافات ندارد چنان‌که حضرت ایوب عرض شکوی حق نمود: «أُنِّي مَسْنِي الشَّيْطَانُ بُنْصَبِ وَعَذَابِ» (ص/۴۱) با آن که حق تعالی او را مدح فرماید به قوله: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/۴۳) و حضرت یعقوب عرض می‌کند: «إِنَّمَا أَشْكُوا بِنِيِّ وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ» (یوسف/۸۶) با آن که او از صابران بود بلکه ترک شکایت به سوی حق، اظهار تجلد و ظهور به دعوی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۶۱)

توصیه امام حسین (ع) به صبر، در جای‌جای حادثه عاشورا مشهود است. در شب عاشورا به اصحاب خویش فرمود: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ...» ای بزرگ‌زادگان شکیبایی کنید. مرگ نیست مگر پلی که شما را از رنج و سختی به باغ‌های پنهان و نعمت‌های جاودانی عبور می‌دهد. (ابومخنف، ۱۳۸۵: ۲۰۷) جالب اینجاست که

حضرت در آخرین لحظات نیز در مناجات خود می‌گوید: «صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا رَبَّ سِوَاكَ، وَلَا مَعْبُودَ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَىٰ حُكْمِكَ» پروردگارا بر قضا و حکمت و صبر می‌کنم، (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۵۵)، رضا و تسلیم مراتب پس از صبر هستند. در مرحله رضا، تحمل مشکلات و مصائب نه تنها ناگوار و تلخ نیست بلکه لذت‌بخش است. بدان که بنده از خدای راضی نتواند بود مگر پس از آن‌که خدای تعالی از وی راضی باشد زیرا که خدای گفت: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده/۱۱۹). شاعران و نویسندگان ادب پایداری، پیوسته وعده‌های الهی را به مردم یادآوری می‌کردند تا روحیه مقاومت را در آنان تقویت کنند. رضا، خشنودی است و در اصطلاح عارفان، شادمانی دل است به جریان قضا (جرجانی، ۱۹۹۱: ۹۸)، هجویری در این باره می‌گوید: «رضا نهایت مقامات است و بدایت احوال؛ یک طرفش در کسب و اجتهاد و طرف دیگر در محبت و غلیان» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۱۹)، مشایخ، مقام رضا را «باب الله الاعظم» خوانده‌اند. تسلیم، فرمان بردن از امر خدا و ترک اعتراض و رو کردن به رضا و پایداری در بلاست. مقام تسلیم برتر از مرتبه توکل و رضاست. به اعتقاد امین پور بر قوانین الهی و طبیعی، جبری حاکم است:

پشت شیشه می‌تدپیشانی یک مرد در تب دردی که مثل زندگی جبری است
(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۵۸)

انسان هر چند دارای اختیار است اما در طی مسیر زندگی تا مرگ، چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر قضا و قدر الهی ندارد: «اما چرا / آهنگ شعرهایت تیره / و رنگشان / تلخ است؟ / وقتی که بره‌ای / آرام و سر به زیر / با پای خود به مسلخ تقدیر ناگزیر / نزدیک می‌شود / زنگوله‌اش چه آهنگی دارد؟ (امین پور، ۱۳۸۸: ۲۳)

مرگ در راه حق

عزالدین محمود کاشانی، شوق را آتشی می‌داند که در وجود عاشق برای لقاءالله شعله‌ور می‌گردد و آن را لازمه صدق عشق به حق می‌شناسد. وی شوق را به دو قسم تقسیم می‌کند: یکی از آن را شوق محبان ادراک صفات محبوب و دیگری را شوق محبان ذات برای رسیدن به قرب و وصال حق می‌داند (کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۱۱)

در نزد عرفا، شوق میل به رسیدن به محبوب پس از شناخت و ارتباط اجمالی و پیش از وصال است. سهروردی در کتاب درباره شوق می‌گوید: «آن شیفتگی دل است نزدیک یاد کردن دوست». (سهروردی، ۱۳۹۹: ۷۷)

در ترجمه رساله قشیری، این دعا به پیامبر اکرم (ص) منسوب شده است که: «اللهم أسئلك النُّظَرَ الی وجهک وشوقاً الی لقاءک» خداوندانگریستن به روی تو را می‌طلبم و شوق رسیدن به تو را خواستارم». (فروزانفر، بی تا: ۵۷۵)

شوق رسیدن به محبوب الهی باعث اشتیاق و استقبال از مرگ شده است:

آوای دگر به نای ما بخشیدی تو شوق سفر به پای ما بخشیدی
آبی به ترانه‌های ما بخشیدی ای آتش آفتابی فصل طلوع
(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۶۶)

زکریا اخلاقی در شعر «کس تماشا نکند منظر زیباتر از این» مرگ حماسی را این گونه به تصویر کشیده است:

کس تماشا نکند منظر زیباتر از این خاطری را نبود خاطره زیباتر از این
زیر شمشیر شهادت سحر آنسان رفتی که نرفتند از این دایره زیباتر از این
نرسید دعوت دلدار فریبتر از این نشکفد تلبیه از حنجره زیباتر از این
شاهبازا سفر عرش تو خوش باد برو نرود کس سوی آن کنگره زیباتر از این
(اخلاقی: ۱۳)

در ادوار اساطیری، انسان همیشه مایل بوده به آغاز؛ یعنی به روز ازل که به زعم خدایان، جهان را آفریدند بازگردد و با این بازگشت خواسته است خود را در آغاز جهان قرار دهد و به این ترتیب، زمان خود و خدایان را یکی کند. «در جوامع اساطیری، تاریخ تا جایی مطرح است که تکرار کردار خدایان و احیاناً نیکان نخستین آدمی باشد و بقیه وقایع زندگی ارزش ثبت ندارند،» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۱۴۱) از طرف دیگر، برای اساطیر و قهرمانان حماسه، جاودانگی و عاقبت‌اندیشی بسیار مهم و قابل تأمل بوده است. انسان همیشه مایل بوده که بماند و بماند... تا گم شده خود را پیدا کند و خودش پایان را رقم بزند. در این مبحث، مرگ و استقبال از آن برای بسیاری از قهرمانان اساطیری دل‌نشین و جالب بوده است. فرازمان و فرامکان همواره در اسطوره و حماسه در عواطف بروز پیدا می‌کند به این دلیل که قهرمان حماسه با مبحث جاودانگی از لحاظ روحی دست و پنجه نرم می‌کند تا به باوری عمیق دست یابد. این درنگ، قابلیت تطبیق همه زمان‌ها و مکان‌ها را برای صاحب اثر و مخاطب فراهم می‌کند. در نتیجه این عنصر عاطفی و فکری با احساس احترام و وجد باشکوه در حماسه تلفیق شده و آن را با واقعه یا شخصیت اصلی ماجرا گره می‌زند. در بیت‌های زیر، زکریا

اخلاقی فرامکان و فرازمان را در حالتی از حیرت و حرکت به تصویر می‌کشد:

زیر این خیمه که از ذکر شهیدان سبز است کس نداند که چه احساس حیاتی داریم
همه هستی ما عین زیارت‌نامه است گر از این گونه سلام و صلواتی داریم
(اخلاقی: ۱۸۹)

مبارزه با نفس و ترک تعلقات

عزالدین محمود کاشانی، مراد از تجرید را از نظر ظاهر، ترک اعراض دنیوی و از نظر باطن، نفی اعراض اخروی و دنیوی می‌داند. وی مجرد حقیقی را کسی می‌شناسد که بر ترک اعراض دنیوی، طالب عوضی نباشد بلکه هدف او تقرّب به درگاه الهی باشد. (کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۴)

دل سالک که سرشار از عشق الهی شود برای او تن حکم قفس دارد و دیگر نمی‌تواند در جسم خاک بگنجد به همین دلیل خواهان رهایی از تن و وصول به حق است:

دگر این دل سر ماندن ندارد هوای در قفس ماندن ندارد
(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

و:

تمام حجم قفس را شناختیم، بس است بیابا به تجربه در آسمان پری بزنیم
(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

گل «نیلوفر» سمبل عرفان، تجلیات روحانی، نفحات الهی، شکوفایی و بیداری و نیز دنیای اثیری و معنوی است. نیلوفر به خورشید چشم می‌دوزد و به سوی آن در حرکت است و گویی خورشید را می‌پرستد. بودا در آثار خود مکرر از نماد نیلوفر برای بیان حقایق عرفانی خود سود می‌جوید. او معتقد بود «درست همان‌گونه که گل پاک و خوشبوی نیلوفر در گل و لای باتلاق می‌روید نه در خاک و...» (رجب‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۶) ویل دورانت نیز معتقد است در مشرق زمین «گاهواره تمدن اقوام آریایی در هند و ایران نیلوفر را بطن جهان و سریر خداوند دانسته‌اند» (متحدین، ۱۳۵۵: ۲۵) در دوره هخامنشی، در کنار آسمان که مهم‌ترین نماد و سمبل اهورامزداست، گل لوتوس، (نیلوفر) سیاره مشتری، شاهین نیز نماد اهورامزدا می‌باشد. (رضی، ۱۳۸۲: ۷۳)

شب فرومی‌افتد / و من تازه می‌شوم / از اشتیاق بارش شبنم / نیلوفرانه / به آسمان دهان باز می‌کنم / ای آفریننده شبنم و ابر / آیا تشنگی مرا پایان می‌دهی؟ / تقدیر چیست؟ / می‌خواهم از تو سرشار باشم»، (هراتی، ۱۳۶۸: ۵)

«دیشب آن قدر نزدیک بودی / که پنجره از شادیم نمک می‌چشید / و لبخندم را دامن می‌زد / من مشغول تو بودم / نیلوفری از شانه‌های من رویید / و از پنجره بیرون رفت»، (همان: ۷)

بودا از قیود این جهان رهایی یافت و خویش را آزاد دید. او به ذات بی‌مرگی یا نیروانا رسید. انسان حقیقت‌جو سرانجام به نیروانه که همان ذات جاودانگی و بی‌مرگی است می‌رسد، زندگی ابدی و ازلی است که سرشار از آرامش روحی است. (عماد، ۱۳۷۷: ۶۷)

سلمان هراتی نیز با دریافت این موضوع، راه رسیدن به معشوق ازلی و آرامش ابدی را در رهایی از تعلقات مادی و نفسانی می‌داند زیرا تعلقات مادی و نفسانی از قبیل امیال و آرزوها، وابستگی به دنیا، شهرت‌طلبی و... مانع سیر و لقاء انسان به سوی ذات باری تعالی می‌شود.

«وقتی که از حرص حقیر داشتن، دل می‌کنی / همه‌مۀ عشق را می‌شنوی / اینان که در پای بیستون به صف ایستاده‌اند / راهیان عشق‌اند» (هراتی، ۱۳۶۸: ۷۸)

شاعر با تأکید بر این موضوع می‌گوید وقتی انسان تعلقات نفسانی و مادی حقیر و ناچیز دنیای دون را ترک کند بر عالم معنا شنوا و بینا می‌شود آنگاه با چشم دل راه سرمزل مقصود را می‌بیند:

با نیت عشق، باربستد همه از خانه و خانمان، گسستند همه
لیک چو گفتند به سردار سحر یکباره حصار شب، شکستند همه
(هراتی، ۱۳۶۸: ۱۶۶)

«تو در زلال کدام چشمه، وضو می‌سازی / و در سایه کدام خلوت / نماز می‌گزاری / که مثل آیینه، صافی.» (هراتی، ۱۳۶۸: ۴۴)

بزرگداشت عشق و تقابل عقل و عشق

عشق، آن‌هم عشق به پروردگار عالمیان، گرچه از حد توصیف و تعریف بیرون است در وصف آن گفته‌اند: «عشق، آتشی است که در قلب واقع شود و محبوب را بسوزد.» (سجادی، ۱۳۸۱: ۵۸۰)

محبت و عشق به پروردگار، آتشی است که به هرچه برسد آن را می‌سوزاند. انوار فروزانی است که به هر چیز بتابد روشن و منورش می‌گرداند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۳۷) «إِلَهِی مَنْ ذَا الَّذِی ذاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا» خدایا کیست که حلاوت محبت تو را چشیده باشد و از آن بدلی خواهد (همان: ۲۳۸)، زکریا اخلاقی در غزل زیر، عشق خود را به پروردگار این‌گونه نشان داده است:

آسمانی شده آوازه پیروزی ما عشق گل کرده در آیینۀ نوروزی ما

زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین پور... / ۳۲۵

اینک از طنطنه سمّ سمندان شنوید خوش‌ترین پرده موسیقی پیروزی ما
ما رسیدیم بر این قله سرسبز اما سرخ شد پیرهن کوه ز گلدوزی ما
با پرنده ز سر زلف ملک دوخته است شاهدی عرش‌نشین خلعت بهروزی ما
پیش از این مزده این فصل مبارک می‌داد آن که دارد علم سبز قلاووزی ما
یاد باد آن‌همه امواج بهاری که فشاند شعله لاله به محراب خزان‌سوزی ما
خاطر ساقی آفاقی ما خوش که از او جام جوشنده‌ترین میکده شد روزی ما
(اخلاقی: ۱۱۷)

اخلاقی در غزل فوق با استفاده از واژگان حماسی و پر طمطراق و نیز تشدید «سم سمندان» لحن حماسی شعر را تقویت می‌کند. همچنین شاعر می‌خواهد روایتگر پیروزی‌های رزمندگان اسلام باشد.

یکی از ویژگی‌های برجسته شهدا که راه سعادت را به روی آنان گشود رهایی از تعلقات و جاذبه‌های دنیایی است. شهدا انسان‌های وارسته‌ای بودند که خود را از بند تعلقات رها ساختند و با نثار جان خویش در راه خداوند و در راه ایمان و عقیده، به سعادت ابدی رسیدند. آنها قفس تن را شکستند و به سوی افلاک پرواز کردند.

عزالدین محمود کاشانی، عشق به خالق هستی را آتشی می‌داند که وجود آدمی را پالایش می‌دهد، وی بعضی از علامات این عشق عرفانی را روی گرداندن از دنیا و آخرت، تنها به حسن محبوب توجه کردن، دوست داشتن آنچه باعث وصال او می‌شود و... می‌داند. (کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۸۰)
قیصر نیز «عشق الهی» را علت وجود هستی می‌داند به همین خاطر بحث‌های فلسفی «علت و معلولی» را بیهوده می‌پندارد:

اگر عشق خود علت اصلی است چرا بحث «معلول» و «علت» کنیم
(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

عشق به معشوق ازلی سلسله‌جنبان هستی است.

ز دست عشق در عالم هیاهوست تمام فتنه‌ها زیر سر اوست
(همان: ۱۰۶)

از نظر قیصر، آنچه ضامن بقاء و زندگی جاودان است عشق به حق است که موجب وصال او می‌شود و هر آن‌کس که تهی از این عشق الهی است دچار مرگ و زوال است:

عشق مساوی است با حاصل جمع وجود مرگ مساوی است با بودن منهای عشق
(همان: ۱۰۶)

مجاهدین راه حق لبریز از عشق الهی، از تعلقات مادی خود گذشته و قدم در راه مبارزه حق
علیه باطل گذاشتند:

روی در آب چشمه می‌شوید از خدا، عاشقانه می‌گویید
تاج سرخی ز عشق، بر سرتان رختی از انعطاف، در برتان
(هراتی، ۱۳۶۷: ۹۱)

ایثار و از خود گذشتگی

اصلی‌ترین عنصر اثرگذار بر ادبیات پایداری، فرهنگ شهادت است. شهادت‌طلبی و ایثار،
شاخصه ممتاز ادبیات پایداری ایران را تشکیل می‌دهد. گذشتن از مال و جان و همه هستی و دارایی
خود، از دیگر مظاهر عرفانی و جلوه‌های معنوی عاشورا است. در همان آغاز سفر، صحبت از بذل
گرامی‌ترین سرمایه انسانی؛ یعنی جان، در میان است. امام حسین آمادگی برای جان‌نثاری را شرط
لازم برای همراهی با کاروان عاشورا برمی‌شمارد و خطاب به همراهان خویش می‌فرماید: «مَنْ كَانَ
بِأَذَلِّ فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا» هرکس آماده نثار خون در راه ماست و
جانش را در راه دیدار خدا بر طبق اخلاص می‌نهد با ما کوچ کند. (سید بن طاووس، ۱۳۸۷: ۶۰)

عزالدین محمود کاشانی، یکی از انواع بذل را ایثار می‌داند و آن را بخشش بدون توقع جبران
می‌شناسد. وی ایثارکنندگان را به چند طایفه تقسیم می‌کند: ۱- ایثار کنندگانی که در راه حق از مال
خویش می‌گذرند ۲- ایثارکنندگان جاه ۳- ایثارکنندگان حیات ۴- ایثارکنندگان حظوظ اخروی، چون
دنیا را ارزشی قائل نمی‌شوند که ایثار بدان ارزشی داشته باشد. (کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۴۶)

بالاترین ایثارها، ایثار جان در راه خداوند است. رزمندگان دفاع مقدس عاشقانه جان خود را
فدای معشوق ازلی خویش ساختند:

«اسرار پایداری او را / زن یار سربلند بپرسید / شاید توان مجسمه‌ای ساخت / از جنس استقامت
خالص»، (امین پور، ۱۳۷۴: ۱۶)

ایثارگران راه حق، جانشان را بر کف دست می‌گیرند و مانند عاشقی که بی‌تاب وصال محبوب
است به استقبال مرگ می‌روند.

آهنگ وداع و ترک یاری دارد گویی که سر شگفت کاری دارد

زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین پور... / ۳۲۷
بر دوش گرفته جان چو باری سنگین بی‌تاب که با مرگ، قراری دارد
(امین پور، ۱۳۶۳: ۳۵)

رزمندگان اسلام، کلام امام را همانند مرشد و رهبر راه حق، به جان دل شنیده و در راه پیروزی
حق علیه باطل استقامت و ایثار می‌ورزند:

«اینان / هر چند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / - بی‌هیچ خان و مان - /
در گوششان کلام امام است / - فتوای استقامت و ایثار - / بر دوششان درفش قیام است»، (امین پور،
۱۳۸۷: ۱۶)

سلمان، امام خمینی(ره) را مانند پیر و مرشدی می‌داند که تمام تردیدها و سؤالات سالک را در
طی مسیر حق برطرف می‌کند و پاسخ می‌دهد و او را به استقامت و پایداری تشویق می‌کند تا عارف
به زندگی جاودان و وصال حق برسد.

کسی که از ورق سرخ‌گل، کتابی داشت برای پرسش و تردید ما، جوابی داشت
کسی که آب شدن را، در التهاب آموخت شکوه سبز شدن را، در آفتاب آموخت
(هراتی، ۱۳۶۷: ۹۳)

هراتی شهیدان را به خاطر استقامتشان در جبهه‌های حق علیه باطل دارای زندگی جاوید می‌داند:
«با سکوت هم‌صدا شو / تا بشنوی / پشت آسمان چه می‌گذرد / ما زمستانیم / بی‌طراوت حتی
برگ / آنان / در همیشه‌ای از بهار ایستاده‌اند / بی‌مرگ»، (هراتی، ۱۳۶۸: ۱۱۱)

نتیجه‌گیری:

ادبیات فارسی غنی از مفاهیم و مضامین عرفانی است. این مضامین عرفانی پیوند ناگسستنی با
شعر و نظم فارسی دارند. با شروع جنگ تحمیلی تغییر و تحول ژرفی در مفاهیم و مضامین نظم و
نثر صورت گرفت. شاعران برای تهییج روحیه رزمندگان و ستودن حماسه سازی آنان در جبهه‌های
حق علیه باطل از مضامین عرفانی کلاسیک سود جستند.

آنان در اشعارشان، از اصطلاحات و مضامین عرفانی در معانی متفاوت برای وصف عرصه‌های
جهاد و شهادت بهره گرفتند. از میان شاعران دفاع مقدس، قیصر امین پور، سلمان هراتی و زکریا
اخلاقی به علت انس با عرفان کلاسیک ایرانی، در اشعار خود از مضامین عرفانی ایرانی برای به
تصویر کشیدن اوضاع سیاسی اجتماع زمان خود استفاده کردند.

امین پور و هراتی از جمله شاعرانی بودند که در جبهه‌های جنگ حضور داشته و شاهد حالات
عرفانی رزمندگان بوده و با بیانی زیبا توانسته‌اند آنها را به تصویر بکشند. آنان مضامین جدیدی از

قبیل: مضامین عاشورایی، انتظار و... برای تقویت و تهییج روحیه حماسی رزمندگان مورد توجه قرار دادند. قیصر امین پور و سلمان هراتی با استفاده از شخصیت‌های شاخص دینی مثل پیامبر(ص) و امام حسین(ع) به عنوان الگوی مبارزاتی یا پیر و مرشد در اشعارشان بهره برده‌اند. امین پور هراتی و اخلاقی هم در قالب‌های کلاسیک همچون غزل و هم در قالب‌های نو فارسی مانند نیمایی، این مضامین و مفاهیم را بازتاب داده‌اند. بعضی از این مضامین فراوان و بعضی از مضامین دیگر کم به کار گرفته شده است. یکی از مضامین فلسفی در اشعار این سه شاعر نام آشنا که بسیار مورد توجه قرار گرفته است پرسش در مورد حقیقت هستی و جهان پس از مرگ است. از دیگر مضامین پرکاربرد می‌توان به مسألهٔ ایثار، تجرید و رهایی از تعلقات، مبارزه با نفس و عشق به خداوند اشاره کرد.



منابع و مأخذ:

- ۱- قران کریم.
- ۲- ابومخنف، لوط بن یحیی، (۱۳۸۵)، مقتل حسین، (ع) ابومخنف، ترجمه علی محمد موسوی جزایری، قم: امام المنتظر.
- ۳- اخلاقی، زکریا، (۱۳۸۴)، تبسم‌های شرقی، قم: ذوی القربی.
- ۴- اکبری، منوچهر، (۱۳۷۱)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۵- امین پور، قیصر، (۱۳۸۶)، آینه‌های ناگهان، تهران: مروارید.
- ۶- -----، (۱۳۸۸)، مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران: مروارید.
- ۷- -----، (۱۳۸۸)، بی‌بال پریدن، چاپ چهارم، تهران: نشر افق.
- ۸- -----، (۱۳۷۴)، تنفس صبح، تهران: سروش، چاپ دوم.
- ۹- -----، (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰- -----، (۱۳۸۷)، ظهر روز دهم، تهران: مروارید.
- ۱۱- ایران‌زاده، نعمت‌الله، (۱۳۷۷)، «بررسی سبک غزل انقلاب»، مجموعه مقالات کنگره تأثیر امام‌خمينی و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران: موسسه تنظیم نشر آثار امام.
- ۱۲- بهرامی، ایرج، (۱۳۸۵)، رویین تنی و جاودانگی در اساطیر، تهران: ورجاوند.
- ۱۳- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، حماسه و عرفان، چاپ چهارم، قم: اسرا.
- ۱۵- حاکمی، اسماعیل، (۱۳۷۳)، «بررسی ادبیات انقلاب از بعد عرفانی»، مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب، تهران: سمت.
- ۱۶- حمیدی، سید جعفر و اکبر شامیان، (۱۳۸۴)، «تمثیل و رؤیا در شعر معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- ۱۷- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه انقلاب، ج ۳، تهران: انتشارات نشر آثار امام خمینی.
- ۱۸- رجب‌زاده، هاشم، (۱۳۷۴)، چنین گفت بودا، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۹- رضی، هاشم، (۱۳۸۲)، آیین مغان، تهران: انتشارات سخن.
- ۲۰- روزبه، محمدرضا، (۱۳۸۸)، ادبیات معاصر ایران، (شعر)، ج ۴، تهران: روزگار.
- ۲۱- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، ارزش میراث صوفیه، تهران: آریا.
- ۲۲- سجادی، سید جعفر، (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ج ۶، تهران: طهوری.
- ۲۳- سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، (ادبیات پایداری در اسلام و ایران)، ج ۳، تهران: پالیزبان.

- ۲۴- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، (۱۳۵۷)، حکمة‌الاشراق، ترجمه و شرح سید جعفر سجادی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۵- سید بن طاووس، (۱۳۸۷)، لهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمدرضا مجیری، قم: بقیه‌الله.
- ۲۶- شریف پور، عنایت‌الله و نرگس موحدی، (۱۳۸۸)، «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس»، نشریه علمی پژوهشی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره اول.
- ۲۷- شیرازی، کامیار، (۱۳۸۲)، «رابطه دوسویه ادبیات و انقلاب»، ادبیات داستانی، سال ۱۱، شماره ۷۵-۷۶.
- ۲۸- طاهری، قدرت‌الله، (۱۳۸۷) «مقدمه‌ای بر تحلیل انواع ادبی در شعر جنگ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، تهران: دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس.
- ۲۹- طباطبایی، علامه، (۱۳۹۱)، بدایه الحکمه، چاپ ۱۸، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۰- عابدی، کامیار، (۱۳۸۱)، در جستجوی شعر، (برگزیده بررسی‌های ادبی)، تهران: نغمه زندگی.
- ۳۱- عماد، حجت، (۱۳۷۷)، سهراب سپهری و بودا، تهران: انتشارات فرهنگستان یادواره.
- ۳۲- فتحعلی، محمود، (۱۳۸۱)، درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳۳- فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۶۱)، احادیث مثنوی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ۳۴- فصیحی، امان‌الله، (۱۳۸۷)، «نیاز جامعه مدرن به دین، با تأکید بر حقوق و اخلاق»، فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴.
- ۳۵- قبادی، حسینعلی و همایون جمشیدیان، (۱۳۸۰)، «نظری بر جلوه‌های سمبلیسم اجتماعی در شعر انقلاب اسلامی»، دانشور، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۵۱-۶۴.
- ۳۶- کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۷۲)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح و مقدمه هنری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۳۷- کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: انتشارات پالیزان.
- ۳۸- متحدین، ژاله، (۱۳۵۵)، نیلوفر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره سوم، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- ۳۹- محدثی خراسانی، زهرا، (۱۳۸۸)، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۴۰- محدثی، زهرا، (۱۳۸۸)، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۴۱- هاملین، دیوید، (۱۳۷۴)، تاریخ معرفت‌شناسی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۲- هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۳)، کشف‌المحجوب، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، تهران: سروش.

۴۳- هراتی، سلمان، (۱۳۸۸)، ز آسمان سبز، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۴- ---، ---، (۱۳۶۷)، از این ستاره تا آن ستاره، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.

۴۵- ---، ---، (۱۳۶۸)، دری به خانه خورشید، تهران، سروش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Aesthetics of the Use of Mystical Elements in Sacred Defense Poetry by relying on the Poems of Kaisar Aminpour, Salman Herati and Zakaria Akhlaqi

Jafar Mohammadi, PhD Student, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Arash Moshfeghi, Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bonab Branch, Bonab, Iran, Corresponding Author

Aziz Hojjaji Kahnouj, Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Abstract

The victory of the revolution and the eight-year sacred defense epic brought a profound change in the country's institutions. Literature gained the most influence because of its connection with social and political developments. The most significant manifestation of this change is found in the poem of sacred defense. The sacred defense poets did their best to depict events and events on the battlefields. The most important reasons that led the poem of sacred defense to relate to the origins of national and spiritual identity and the context for martyrdom, libertarianism, disregard for worldly values, as well as forfeiting property and lives to preserve religious and spiritual values To recreate these attitudes is in line with the values of the Islamic Revolution. This feature is such that in the poetry of the sacred defense poets many of the mystical experiences used in the poetry of the mystic poets are recreated. This feature is evident in the poetry of poets such as Kaisar Aminpour, Salman Herati, and Zakaria Akhlaqi. The present study is a descriptive-analytic one which attempts to discover and study the mystical aspects of poets' interest in the poetry of Holy Defense. The findings of the study show that sacred defense poetry has been introduced in various fields such as mystical themes and it has also been found that the sacred defense poetry of common elements and themes in Persian mystical poetry and other links between mystical themes and religious themes in He has used his poems, which feature the Islamic Revolution and the epic eight-year sacred defense.

Keywords: Islamic Revolution, Holy Defense, Mysticism, Mystical Poems, Contemporary Poetry.